

مطالعه تطبیقی خطوط فکری عمده آرمان شهرگرایان مسلمان و غیر مسلمان

مجید یاسوری^۱

مریم سجودی^۲

(تاریخ دریافت ۹۸/۸/۳ - تاریخ تصویب ۹۸/۱۱/۲۱)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

چکیده

آرمان شهر اساس کار فطرت انسان هاست، بدین معنی که برقرار کننده ی تعادل و توازن بین مادیات و معنویات؛ امور دنیوی و اخروی و بالاخره جسم زمینی و روح انسانی آدمیان است. آرمان شهرها تجلیات متفاوتی دارند و در هر سرزمینی ممکن است به گونه ای متفاوت دیده شوند، اما اصول حاکم بر آن همواره یکسان است. در واقع آرمان شهر نمادی است از بهشتی که بشر همواره در آرزویش بوده است و دوری از جهنمی که بدی ها و فساد مصداق این دنیایی آنند. هدف پژوهش حاضر آن است که آراء و نظریات آرمان شهرگرایان مسلمان و غیر مسلمان مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد و نقش و تاثیر دین و اقتضائات ناشی از آن و همچنین تفاوت های مکانی، فرهنگی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و... بر روی تفکرات آرمان گرایانه مشخص شود. نتیجه ی مطالعه ی تطبیقی که با استفاده از مطالعه اسنادی و کتابخانه ای بدست آمد بیان گر

۱ - استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه گیلان، yasoori@um.ac.ir

۲ - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران

این است که از اهم اشتراکات آرمان شهرگرایان مسلمان و غیر مسلمان را می توان خواست مشترک تمامی آرمان شهرگرایان در دستیابی به مکانی فارغ از ناپاکی ها و بی عدالتی ها و هر گونه بدی دانست؛ مکانی که در آن سعادت فردی و اجتماعی تامین شود و در پرتو آن جامعه ای عاری از بدی ها و ناپاکی ها تولد یابد. بدین ترتیب بر اساس اشتراکات به دست آمده می توان تلاش برای حرکت به سمت آرمان شهر را نتیجه ی آن دانست. اما مهم ترین تفاوت های آرمان شهرگرایان مسلمان و غیر مسلمان را می توان در خدامحوری و تاکید بر اندیشه توحید و عینی کردن مفاهیم الهی در بافت و بدنه ی شهر و همچنین اندیشه انتظار دانست و البته گاهی در لفافه سخن گفتن و پر رمز و راز بودن را نیز می توان در آرمان شهرهای آرمان شهرگرایان مسلمان به وضوح درک نمود. در مقابل آرمان شهر گرایان غیر مسلمان ضمن توجه به خداوند غالباً تفکرات انسان محور را اشاعه داده اند؛ همچنین صراحت لهجه، آزادی بیان و به نوعی بی پروایی از ویژگی های عمده ی آرمان شهرگرایان غیر مسلمان است و همینطور اهمیت و برتری تکنولوژی نیز از ویژگی بارز برخی از آرمان شهرها و ضد آرمان شهرهای دنیای غرب است.

کلید واژگان: مطالعه ی تطبیقی، تفکرات عمده، آرمان شهرگرایان مسلمان و غیر مسلمان، تشابهات و تفاوت ها.

۱- مقدمه

آرمان شهر، مکانی نیکوست که در آن جایگاه حقیقی انسان به تصویر کشیده شده است تا در ادامه ی خلقت بی عیب و نقص پروردگار زمینه های زندگی سعادت مندانه ی بشر را تضمین نماید. این آرزوی دیرین را بشر با عنوان آرمان شهر در ذهن خود جای داده است و هر نظریه پردازی به قدر وسعت و توان و نگاهش از آن سخن گفته است. آرمان شهر دارای ابعاد و ویژگی هایی مشخص است اما حقیقتاً بشر تاکنون نتوانسته آن را آن چنان که باید و شاید به منصفه ظهور برساند. در دوره های مختلف تاریخی بنا به توان و امکانات بشر همواره سعی شده تا بتوانند به نحو بهینه ای از منابع و موقعیت های خود بهره مند شوند. از آن هنگام که جامعه انسانی پدید آمد، آدمی همواره در جست و جوی کمال و به نوعی دست یابی به شهری آرمانی بوده است. گاهی آن را به صورت بهشت این جهانی تصور کرده و زمانی با چنگ زدن به

اسطوره عصر زرین، تصور شهر آرمانی را از دیار اسطوره به قلمرو خرد در آورده است (سوادکوهی فر، ۱۳۷۹، ۴۹). چرا که یکی از اساسی ترین آرزوهای انسان تحقق بخشیدن به این آرمان بود. از آن زمان، مکتب ها و اندیشه های مختلف راه حل هایی متفاوت برای تبیین و استقرار آن پیشنهاد داده و نخبگان از گذشته ها آن ها را به شکل های مختلف طراحی کرده اند. از افلاطون و ارسطو قبل از میلاد مسیح و فارابی و دیگر اندیشمندان اسلامی تا تامس مور نویسنده ی قرن شانزدهم، هر کدام این مدینه ی فاضله را به گونه ای بنیان نهاده اند که هر یک ویژگی های خاص خود را دارد (اخوان ارمکی، ۱۳۸۷، ۴۸). آن گونه که گفته می شود؛ کهن ترین مفهومی که رنگ و بوی آرمان شهری دارد، حماسه ی گیل گمش از افسانه های سومری و بابلی است که پیشینه ی آن به هزاره ی دوم قبل از میلاد می رسد. در این افسانه به بهشت دیلمون اشاره شده است که آرامش و بی مرگی از مولفه های اصلی این بهشت اسطوره ای به شمار می رود (پرهیزکاری، ۱۳۹۳، ۱۳). به نظر می رسد با وجود تمام پستی و بلندی هایی که بشریت تا کنون از سر گذراند است؛ اما تاریخ بشریت فرجامی خوش دارد. فرجامی که ما آن را در مکانی آرمانی تصویر نموده ایم. آرمان شهری که ساختنی است نه یافتنی.

بنابراین پژوهش حاضر اهداف زیر را دنبال می کند:

- بررسی آرمان شهر گرایان در دو دسته بندی کلی "آرمان شهرگرایان مسلمان" و "آرمان شهر گرایان غیر مسلمان" و افکار و عقاید برخی از نمایندگان برجسته ی آن ها و اهم ویژگی های آرمان شهرهای طرح شده توسط آنان.
- شناسایی تفاوت ها و شباهت های آرمان شهرهایی که در دو دنیای اعتقادی متفاوت ترسیم گشته اند.
- چگونگی حرکت به سمت آرمان شهر با توجه به جمع بندی تاکیدات و مشترکات آرمان شهرگرایانی از دو دنیای فکری و عقیدتی متفاوت.

۲- مفهوم آرمان شهر

یکی از آرزوهای انسان در طول تاریخ، رسیدن به جامعه ای نیکو بوده است تا استعداد های نهفته خود را از قوه به فعل درآورد و در آن جامعه به رستگاری کامل برسد. از آن زمان که

اولین جامعه‌ی انسانی به وجود آمد، همواره انسان در جستجوی شهر آرمانی به سر می‌برده است (اخوان ارمکی، ۱۳۸۷، ۴۸). آرمان شهر در لغت به معنی شهر آرمانی و ایده آل است و در اصطلاح، جامعه‌ای والا است که در آن، همه‌ی امور بر وفق مراد و مطابق میل باشد، جامعه‌ای که در آن نه خبری از ظلم و تبعیض، نه اثری از جنگ و ستیز و نه ردپایی از جهل و فقر یافت شود (احمدی و زمانی، ۱۳۹۰، ۳۰). در عین حال باید دانست آرمان شهری بودن به مفهوم تاریخ نداشتن نیست، پذیرش آرمان شهری رشد نفی عینیت نیست. در الگوی مطلوب آرمان شهری باید ساختار، قواعد و هدف‌ها را تشخیص بدهند (آکوجیان، ۱۳۸۷، ۳۴). بعضی از متفکران اجتماعی سخن گفتن درباره جامعه آرمانی و ارائه طرح آن را خیال‌پردازی و رویاگرایی می‌دانند که نه فقط کار لغو و بیهوده‌ای است بلکه مضر و زیان‌بخش هم هست؛ زیرا این قبیل طرح‌های (نا کجا آبادی) گذشته از این که هرگز بدان گونه که به تصور درآمده اند به حقیقت نخواهد پیوست، از واقع بینی انسان‌هایی که به آن‌ها باور دارند خواهد کاست و آنان را از این نکته بسیار مهم غافل می‌سازند که تقریباً هیچ عمل اجتماعی هیچ‌گاه نتیجه مورد انتظار و مطلوب را دقیقاً و کاملاً به بار نمی‌آورد (ربانی، ۱۳۸۷، ۱۷۰). گفتنی است هر یوتوپیا دو سویه و وجهه دارد و محصول امتزاج دو مفهوم است. سویه‌ی انتوپوسیک^۱ یا خوبستانی و وجهه‌ی اونتوپوسیک^۲ یا لامکانی (دیر باز و صادقی، ۱۳۹۰، ۱۰۴). بنابراین در اتوپیا؛ اطلاعات، تفکر مستقل و آزادی تبلیغ می‌شود، شهروندان هیچ ترسی از جهان خارج ندارند، شهروندان در حالت هماهنگی زندگی می‌کنند، جهان طبیعی مورد احترام مردمان است، در اتوپیا جامعه با تغییر به یک دنیای کامل آرمان‌گرایانه تکامل می‌یابد (www.wildcatfreshmenenglish.com). به همین خاطر با نگاهی به تاریخ در می‌یابیم که پس از رنسانس با وجود تاکید بسیار بر تعقل و راسیونالیسم تعداد مدائن فاضله رو به فزونی نهاده و به وضوح بر شمار آرمان‌شهرها افزوده شده است (وینر، ۱۳۸۵، ۴۱۰ به نقل از دیر باز و صادقی، ۱۳۹۰، ۴۱۰). و به یقین دلیل این امر نه صرفاً خرافه‌گرایی که ترقی آرمان شهری نقش بسزایی در ظهور و اندیشه پیشرفت در غرب جدید گردیده است.

۱ - eu-toposic

۲ - ou-toposic

۳- ادبیات آرمان شهری

آرمان شهر، علاوه بر آن چه در لغت از آن استنباط می شود، مفهومی اصطلاحی نیز دارد، این گونه به نظر می رسد که معانی اصطلاحی آرمان شهر، نسبت به معانی لغوی و ترجمه های صورت گرفته از آن تفاوت های بیشتری را با هم نشان می دهند؛ چرا که آرمان شهر گرایان در بیان و طرح شهر آرمانی خویش از معنای لغوی آن گذشته اند و آرمان شهرشان را با مفاهیم و محتوایی فراتر و عمیق تر از آن چه در لغت یافت می شود، ترسیم نموده اند. مفاهیمی که برگرفته از تمام عواطف و امیال و دنیای آرمان شهر گرا، نه به عنوان یک فرد؛ بلکه به عنوان ناجی جامعه ای سرگردان در گمراهی و بیراهه بوده است. این مفاهیم برآمده از اصول و هنجارهای حاکم بر آن دوره ی خاص و یا پشت پا زدن به آن ها و در پی گله گزاری و انتقاد از شرایط ناهنجاری بوده که در آن دوره حاکم بوده است و یا شاید تنها به بخشی از آن ها پرداخته شده باشد. بی شک به چنین دلایلی نگاه آرمان شهریان با یکدیگر تفاوت هایی داشته است و سبب شده است آرمان شهر اصطلاح و ادبیات گونه گونی را تجربه نموده است. در فرهنگ علوم اجتماعی جامعه آرمانی چنین تعریف شده است: «جامعه ی آرمانی، چنان جامعه ای است که در آن اصل عقلانی مبتنی بر هم بستگی، بر شرایط طبیعی در تکوین سازمان اجتماعی مسلط شود. در آن، قوانین برای تحقق مطلوبی والا و مشترک و بدون توجه به افرادی خاص پدید می آیند و این قوانین، رفتار ما را در اعمال عدالت و با در نظر گرفتن منافع دیگران، تنظیم و تنسيق می کنند» (محمدی آشنانی، ۱۳۹۳، ۵۳). در واقع؛ اصطلاح «ادبیات آرمان شهری»^۱ که خود ماخوذ از واژه ی یوتوپیا است، به آن دسته از آثار ادبی عطف می کند که به طرح جامعه آرمانی می پردازد (پرهیزکاری، ۱۳۹۳، ۸). به عبارتی؛ "ایده آرمان شهر" جای در اندیشه سنت گرای فلسفه ی سیاسی (کمال مطلوب سیاسی، اجتماعی تحقق ناپذیری که واقعیت ها، طبیعت انسان و شرایط زندگی در آن ملحوظ نشده اند) دارد که پس از یک گذار معرفت شناسانه و بر بنیان

اندیشه ترقی^۱ در فضای نظام اندیشه حیات برگزیده می تواند از خلال پروژه ی تحقیق و توسعه جامعه انسانی، رکن تحلیل وضع مطلوب^۲ جامعه شهری قلمداد شده و وارد فرایند مدیریت توسعه شهری معاصر شود (آکوچکیان، ۱۳۸۷، ۱۱). به هر حال تفکر اتوپایی یا آرمان خواهانه از دو بخش جدایی ناپذیر تشکیل شده است؛ نقد و چشم انداز سازنده. که در واقع نقد جنبه های خاصی از شرایط کنونی ما مانند بی عدالتی، ظلم و ستم و نابودی محیط زیست را در بر می گیرد (Friedmann، ۲۰۰۰، ۴۶۳). این چنین آرمان شهری از چنان جامعیتی برخوردار است که عقل و عاطفه، عشق و منطق، علم و ایمان را ارضا می نماید (کادن، ۱۳۸۰، ۴۶۸).

به لحاظ مفهومی، آرمان شهر یا یوتوپیا تجسم شهری آرمانی است، که از جمله آرزوهای کهن انسان بوده است، آرزویی کاملاً طبیعی که عمری به درازای عمر آدمی دارد. در واقع با تحقق این آرزو، مکانی پیدا می شود که مجمع همه خیرها و فضیلت هاست و در آن از شر و شیطان خبری نیست (مطلبی و نادری، ۱۳۸۸، ۱۳۰). به هر حال اعتقاد به این شهر آرمانی سرزمینی خیالی که آرزوهای بشر در آن دست یافتنی به نظر می رسند یکی از مضامینی بوده است که از گذشته تا حال، سرچشمه ی پدید آمدن آثار متنوعی در فرهنگ های مختلف شده است (قائمی، ۱۳۸۶، ۳۲۵-۳۲۶). این تاثیر همان مکان قابل اتکاییست که پیش تر در موردش توضیح داده شد؛ شهری که خود را به کمال و زیبایی آراسته باشد، خواهد توانست سایر زمینه های علمی و فرهنگی موجود را نیز به مسیر آرمان خواهی سوق دهد. آدمی، ناگزیر در این دنیا، تصویر مدینه یا آرمان شهر یا همان ناکجا آبادی که هر فرهنگی نهایت زندگی انسان را در رسیدن به آن می داند ترسیم می کند (کیانی، ۱۳۸۹، ۲-۴). همان طور که گفته شد، این در حالی است که بعضی از متفکران اجتماعی سخن گفتن درباره جامعه آرمانی و ارائه ی طرح آن را خیال پردازی و رویاگرایی می دانند که نه فقط کار لغو و بیهوده ای است بلکه مضر و زیان بخش هم هست؛ زیرا این قبیل طرح های ناکجا آبادی گذشته از این که هرگز بدان گونه که به تصور درآمده اند به حقیقت نخواهد پیوست، از واقع بینی انسان هایی که به آن ها باور دارند خواهد کاست و آنان را از این نکته بسیار مهم غافل می سازند که تقریباً هیچ عمل

۱- the Idea of progress

۲- Normative Research

اجتماعی هیچ گاه نتیجه مورد انتظار و مطلوب را دقیقاً و کاملاً به بار نمی آورد (ربانی، ۱۳۸۷، ۱۷۰). در راستای همین عقیده گفته شده است؛ اتویسم به معنای وهم و اسارت در عالم وهم است. عقل اتویسم، عقلی است که از مقام حقیقی خود خارج شده و تفکر حقیقی هرگز اتویایی نخواهد بود (زرشناس، ۱۳۷۱، ۵۰-۴۹ به نقل از ربانی، ۱۳۸۷، ۱۷۰). حقیقتاً اصلی ترین تفاوت بین آرمان گرایی و واقع گرایی، فلسفه‌ی مربوط به هر یک از آن‌ها درباره حالت جهت دهنده تاریخ است (لینکریتز، ۱۳۸۵، ۷). حال از آن جایی که این معنا با از دست دادن جنبه سیاسی خود از قبل هم نارساتر شده است، دیگر آرمان شهر با این روایت جز رویایی ناممکن و مترادف با خیال واهی نیست (اصیل، ۱۳۹۳، ۲۶-۲۷). به هر حال اصطلاح ادبیات آرمان شهری یا ادبیات اتویایی "به هر اثر داستانی، فلسفی، مذهبی و سیاسی گفته می شود که در مقایسه با دنیای واقعی جنبه آرمان خواهانه داشته باشد" (میر صادقی، ۱۳۷۷، ۷). بی شک بارزترین تجلی این آشفتنگی پدید آمدن مفهوم عامیانه‌ی این واژه و مشتقات آن در دهه ۴۰ قرن نوزدهم است؛ آرمان شهر همچون "کمال مطلوب سیاسی یا اجتماعی، اما تحقق ناپذیری است که واقعیت‌ها، طبیعت، انسان و شرایط زندگی در آن ملحوظ نشده است" (Lalande، ۱۹۹۳، ۱۱۷۹) به نقل از روویون، ۱۳۸۵، ۱). در این زمینه تصور می شود که اغلب آرمان شهرهای دوران باستان عدالت اجتماعی و برابری را به شیوه‌های مختلفی به کار می برده اند (Marie Huriot، ۲۰۱۲، ۱) ، Lepage). حال بی‌آرامی و ندانستن آرمان بلای بزرگی است که آدمی را گرفتار سرگردانی و آشفتنگی اندیشه و روان می سازد. آرمان آرایش دهنده و پیوند دهنده و سازنده‌ی اندیشه و منش و رفتار فردی و زندگی اقتصادی و اجتماعی است و هر جنبه زندگی سرانجام به آرمان می پیوندد. آرمان مانند قطب نمایی است که کشتی انسان را در دریای زندگی به راه درست می رساند. انسان بی‌آرامان مانند کشتی بی‌قطب نما در دریای زندگی سرگردان است. هر انسانی می باید دارای آرمان باشد و آرمانش به ساز و به آفرین باشد و بهزیستی و بهسازی او و همه مردم را فراهم سازد (وحیدی، ۱۳۵۶، ۳۱). همچنان که زیستگاه‌های اشتراکی آرمانی از لحاظ تکیه بر عبارت "مکان خوب در زیستگاه‌های اشتراکی آرمانی" و "تکیه بر خوب یا بد در نوشته آرمان‌گرایان" با دیگر انواع اتویا تفاوت دارند. اما این واقعیت نباید وحدت بنیادین همه این مفاهیم را خدشه دار کند. زیست‌گاه‌های اشتراکی آرمانی به جهت گرایش به بهسازی محیط‌های انسانی با اتویاها اشتراک دارند. آن‌ها از زمینه‌ی فکری، سیاسی و اخلاقی مشترکی

زاییده شده اند (رکن الدین افتخاری و بدری، ۱۳۹۱، ۴۲). در بررسی آرمان شهر ها این سوال مطرح می شود که چرا ادبیات آرمان شهری و حتی ضد آرمان شهری به نثر نوشته شده اند؟ پاسخ این سوال را باید در ماهیت نثر جست و جو کرد. زیرا نثر نویسی ابزار مناسبی است که قابلیت های چون «ساده و راست، کوتاه و مثل گون، عوام پسند، مبتدل، شوخ و تا اندازه زیادی پر تصویر، آشفته و پر انرژی، آموخته و پر از ایما و اشاره، آراسته و ...» است (قادری سهی و جان نثاری لادانی، ۱۳۸۸، ۶۹). بدین منظور آرمان شهر جایگزینی را ارائه می کند که متفاوت تر و بهتر از جهانی است که ما فعلا در آن ساکنیم (X، ۲۰۱۲، More).

۴- اندیشه های آرمان شهری

پس از گذار در آرمان شهرهای تصویر شده ی مردانی آرمان طلب که هر یک نگاهی دگرگون برای دست یابی به آرمان شهر داشته اند؛ این گونه بر می آید که گویا آرمان شهر برای آنان تنها حکم مسیری را دارد که هدفش رسیدن به حد اکمل چیز است که از آن به سعادت و خیر و نیک بختی تعبیر می شود. همان گونه که از میان آرمان شهرگرایان مسلمانی که به آرمان شهرهای آنان اشاره شده است؛ وقتی فارابی قرآن کریم و سیره نبوی و ائمه و حکمت عملی اسلام را جهت ترسیم شهر آرمانی اش پیش می گیرد و سهروری از عالم و خیال و مثال و عوالم سه گانه سخن می گوید و خواجه نصیر از مدینه فاضله و غیر فاضله سخن می راند و ابن سینا با نگاه مشایی خود بر دائمی بودن سعادت معنوی پای می فشارد و ابن رشد بر استقرار اصول هویت بخش در نظام اجتماعی و فردوسی و سعدی و نظامی قافیه ها را بهانه می کنند برای یادآوری اصول بنیادی خیر و شهر و ستودن ارزش های والا و نکوهیدن ارزش های مخرب آرمان شهر؛ همگی تلاش هایی در راستای دست یابی به خیر و سعادت دیرپا و ماندگار می باشند. در آن سوی از میان نمایندگان آرمان شهرگرایان غیر مسلمان؛ افلاطون مهم ترین ویژگی شهر آرمانی را در حاکمیت فلاسفه و سپردن امور به دست آنان می داند و ارسطو از قانون و حکومتی که سعادت جامعه را تأمین نماید سخن می گوید و برای آگوستین اعتقاد به خدای یگانه و زیستن در پرتو عشق الهی لازمه ی بقای آرمان شهر است و بیکن با اعتقاد بر طبیعت؛ ادعای دوباره سازی، نوسازی و در دراز مدت جایگزینی شهری نو را دارد. در آرمان شهر ولز، آموزش بنیادی ترین مفهوم بوده است و در شهر خورشید توماس کامپانلا، دولت بی نهایت اهمیت و اعتبار می یابد. سن سیمون مقام و جایگاه کارگر را بی نهایت ارج می نهد تا بدین واسطه لذتی واقعی و

خوشبختی همگانی جامعه آرمانی را فراگیرد. همچنین کابه بر نقش مهم و بسیار تاثیر گذار آموزش فکری و بدنی فرزندان تاکید می کند که جامعه و اجتماع باید در پرورش آن سهیم باشند. زامیاتین نیز با ابتکار خود در خلق ضد آرمان شهرش بر آن بوده است تا تأثیر غرق شدن در مادیات و بی توجهی به ارزش های معنوی و انسانی را بیان کند. هاکسلی نیز بر آثار مخرب دستاوردهای علمی و تکنولوژی و اسیر شدن انسان مدرن در خودمحموری و دوری از مفاهیمی چون معرفت و راستی را متذکر می شود و جورج اورول هم به شدت بر مسیر حرکت بشر و جوامع غربی معترض و نگران است، که البته اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان وی یعنی پایان جنگ جهانی اول و شروع جنگ سرد در شکل دهی به افکار وی بسیار موثر بوده است.

۱-۴- آرمان شهرگرایان مسلمان

از آن جایی که اسلام فراتر از یک دین شیوه ای کامل از زیستن و پرورش انسان را ارائه نموده است، انتظار می رود اندیشمندان مسلمان که همواره سودای ارائه ی الگویی کامل و بی نقص برای زندگی بشر و سعادت مندی وی داشته اند، تفکرات آرمان شهری شایسته ای را بر اساس آموزه های دین اسلام بیان کرده باشند. در این بین از آرمان شهرگرایان مسلمان به آرمان شهرهای ارائه شده توسط فارابی، ابوالحسن عامری نیشابوری، فردوسی، ابن سینا، اخوان الصفا، ابن رشد، نظامی، سهروردی، خواجه نصیر الدین طوسی و سعدی اشاره گردیده است. ترتیب قرار گیری اندیشه های آرمان شهری فوق مبتنی بر یک خط زمان و براساس تاثیر و تاثر نظریات از همدیگر بوده است. لازم به ذکر است که اشاره به آرمان شهر در تفکرات برخی از نمایندگان آرمان شهر اسلامی بسیار صریح و واضح و با ذکر جزئیات صورت گرفته شده است، مانند مدینه ی فاضله ی فارابی و در بیان برخی دیگر تلویحا و به گونه ای متفاوت به آن اشاره گردیده است مانند جامعه آرمانی ابوالحسن عامری نیشابوری.

در جدول زیر مهم ترین تاکیدات و مولفه های اصلی مد نظر آرمان شهرگرایان مسلمان اشاره می شود.

جدول شماره (۱) - عمده ترین تاکیدات آرمان شهرویان مسلمان

عمده ترین تاکیدات آرمان شهرویان مسلمان	
فارسی	<p>تمسک به خداوند و دین اسلام در تمام شئون آرمان شهر؛ از جمله سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... همچنین تلاش برای کشف و برقراری تناسب و توازن در تمام نشانه های هستی.</p> <p>ارائه ی تقسیم بندی از دولت ها و جوامع چون؛ مدینه ی فاضله، ضروریه، نداله و...</p> <p>برشمردن صفاتی برای رئیس مدینه ی فاضله که حاکمیت فاضل و دانا.</p> <p>همچنین تقسیم اعضای آرمان شهر به فضلا، اهل سخن، جنگجویان، مقومین و مادیون.</p> <p>هدف نهایی دست یابی به سعادت است.</p>
انوالعسن عامری نیپاوری	<p>تلفیقی از حکمت یونان، ایرانشهری، هندی، عربی، چینی و اسلامی.</p> <p>تقسیم بندی جدیدی از مدائن به صورت مدائن فاضله، خسیسه، حکیمه، جاهله و تقسیم سیاست به رئیس و مرئوس و در جایی دیگر عام و خاص.</p> <p>تاکید بسیار بر سیاست به عنوان تدبیری در جهت رسیدن به سنت.</p> <p>سیاست مادی و معنوی و آیین کشورداری، شناخت نیازهای مردم، خضوع و خشوع، احترام به دانش و...</p> <p>مقابله با بیدادگری ها و ناکامی ها و تلاش برای دست یابی به هویت و استقلال (پیروزی خیر بر شر).</p>
فردوسی	<p>گرایش ذاتی انسان به بقا و جاودانگی.</p> <p>لژوم ویژگی های خرد و داد گری حاکم.</p> <p>انسان در آرمان شهر حکیم فردوسی باید مزین به ویژگی هایی چون: خداپرستی، خردگرایی، دادگری، فرهنگداری، بی نیازی، خیرخواهی، دوراندیشی، سامان بخشی باشد.</p>
ابن سینا	<p>سیاست از نظر وی دربردارنده ی بررسی سیاست ها و ریاست ها و اجتماعات مدنی فاضله و ردینه (غیرفاضله) می باشد.</p> <p>تاکید بر جامعه ای یکسان و بی اختلاف (در عین تفاوت در جایگاه طبقات)، تاکید بر خانواده و تاکید بر اخلاق و ارزش ها.</p> <p>ارائه ی نمای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و فردی جامعه.</p> <p>بررسی مولفه های تقسیم کار، سعادت، نظام اجتماعی، تعاون (مشارکت)، سنت (قانون)، قرارداد و عدالت.</p> <p>وی به عنوان یک طبیب هدف نهایی آرمان شهرش را در دستیابی به سعادت می داند که جهت نیل به آن اصلاح فرد بر اصلاح جامعه مقدم است به نوعی اصلاح فرد منجر به اصلاح جامعه می شود.</p>
احوان الصفا	<p>هدف ایشان تشکیل دولتی جدید مبتنی بر اساسی جدید که دین را به وسیله ی فلسفه توجیه کند (تاکید بر فلسفه).</p> <p>ارائه ی تقسیم بندی از سیاست: سیاست نبوی، سیاست ملکوی، سیاست عام، سیاست خاصه و سیاست ذاتی و تقسیم دولت ها به دولت اهل خیر و شر.</p> <p>توجه وافر به مساله ی تعلیم و تربیت، به ثمر رسیدن استعدادهای انسانی، آزادی معنوی و نهایتا دست یابی به سعادت.</p>
ابن رشد	<p>وی مردم را به سه طبقه ی کلامی، جدلیون و اثباتی تقسیم می کند که دفاع از حقوق همه مردم به خصوص زنان مورد توجه او بوده است.</p> <p>حاکمیت در آرمان شهر وی بر محوریت عقل و تدبیر است.</p> <p>تاکید بر استقرار عدالت اجتماعی در شهر.</p> <p>سعادت هدف نهایی تحقق آرمان شهر است.</p>
نظامی گنجوی	<p>تلاش برای دست یابی به عدالت و آرمان های انسانی و دادگری.</p> <p>تصورگرایی آرمان شهری همچون بهشت برین و متأثر از الگوی رضوان در قرآن مجید.</p> <p>دست یابی به جامعه ای بی طبقه با منزلت اجتماعی برابر.</p> <p>ویژگی مردم: دینداری و خداپرستی، سخت کوشی، وظیفه شناسی، وضعیت اشتغال عمدتاً متکی بر کشاورزی و دامداری.</p>

عمده ترین تاکیدات آرمان شهرگرایان مسلمان	
سورودی	<p>تاکید و توجه ویژه به خداوند به عنوان عاشق و معشوق، مبدا و مقصد نهایی که انسان با توجه به ذات کمال طلبش گرایش به این منشا سراسر خیر و خوبی دارد.</p> <p>بهره گیری از ذوق اشراق، شهود، تعالیم اسلامی، عرفان، فلسفه ی ایران باستان و حکمت مشا.</p> <p>فرمان روایی و حکومت سیاسی جامعه از آن نخبگان داناست که باید از فر ایزدی بهره گرفته باشند تا به صلاحیت شهر یاری برسند.</p> <p>طرح عوالم سه گانه ای تحت عنوان عالم عقل، عالم نفس و عالم جسم و نهایتا عالم مثال یا در اصطلاح ناکجا آباد بهانه ای بود جهت تصویر نمودن همین عالم مثال.</p> <p>بحث در باب وجود شناسی این عالم به شیوه ی اشراقی در قالب حکایت های مکاشفه آمیز.</p> <p>تاکید بسیار بر کسب علم و معرفت توسط انسان.</p>
خواجہ نصیر الدین طوسی	<p>سیاست (وجه مثبت آن) به عنوان بستری برای بروز استعداد های انسانی از دو منشا عقل و شرع تشکیل یافته است و به سیاست نفس، تدبیر منزل و سیاست جامعه تقسیم می شود.</p> <p>ارائه ی اقسام و مراتب اجتماعات انسانی به اجتماع منزلی، اجتماع محله، اجتماع اهل مدینه، اجتماع امت، اجتماع اهل عالم و تقسیم بندی مردم مدینه ی فاضله و آفات آن.</p> <p>سیاست و حاکم مدینه ی فاضله از عوامل ثبات و پایداری اجتماعات اند. بنابراین حکیم باید دانا و توانا باشد و دارای ویژگی هایی چون حکمت، خردمندی، استعداد، شجاعت و قوت جهاد باشد.</p> <p>تاکید بر مفاهیمی چون محبت، صداقت و عدالت.</p>
سعدی	<p>تاکید فراوان بر اهمیت اصلاح و تامین منافع دیگران و ترجیح جمع بر فرد</p> <p>ارائه ی معیارهایی چون: مردم سالاری دینی، رعایت عدالت و ظلم ستیزی، خصوصیات کارگزاران و وزیران، آیین جنگ و صلح.</p> <p>بر شمردن خصوصیات برای حاکم: اطاعت از خدای اندیشیدن در باب اصلاح جامعه، تسلیم تقدیر الهی بودن، بخشایش گناهان، فانی دانستن دنیا، خوار داشتن ملوک و جاه، توجه به محرومان و ...</p>

۲-۴- آرمان شهرگرایان غیر مسلمان

جنبش نوزایی (رنسانس) که با احیا و ترجمه ی آثار کلاسیک روم و یونان باستان صورت گرفت، دو اثر انکار ناپذیر در جامعه غرب به جا گذاشت؛ یکی پایان اقتدار و تسلط کلیسا بر جنبه های مختلف زندگی جامعه اروپایی و دیگری، پرداختن به اندیشه های علمی و عقلی. در حقیقت جنبش رنسانس بود که زمینه ساز نگاه نو در دیدگاه فلسفی به طبیعت شد و به تبع آن ساختار اندیشه های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه غربی به کلی دگرگون (پرهیزکاری، ۱۳۹۳، ۴۶) گردید. از طرفی نیز بده بستان های فرهنگی که در جریان جنگ های صلیبی، سفرهای تجاری دریایی و اکتشاف سرزمین های ناشناخته پیش آمده بود، اروپاییان را

بیش از پیش با آداب زندگی دیگر ملت ها و افسانه های خیال انگیز آن ها آشنا کرد. به نظر اچ. جی. ولز^۱ تحولات سیاسی و اجتماعی به ویژه اگر اضطراب و آشفتگی ذهنی ایجاد کند حامل اندیشه آرمان شهری است (ولز، ۱۳۸۸، ۱۳۸، ۱۳۹-۱۳۹)؛ که این امر ایمان و اعتقاد به امکان برپایی آرمان شهر در روی زمین را تقویت کرد و در فضای التهاب آلود سده های چهارده و پانزده میلادی که مملو بود از بیماری های واگیر دار و کشنده، ناهنجاری ها و بی عدالتی های حکومتی، روحیه ی امید و اندیشه ای در اذهان آنان قوت گرفت که به جای پرداختن به بهشت نسیه وار آسمانی - که در اندیشه های قرون وسطایی برجسته بود- به بهشتی زمینی به کمک علم و عقل و صنعت بیندیشید (هال، ۱۳۸۶، ۹۱). در واقع بر این اساس یک جامعه ی ایمن و پایدار باید با قواعد و مقررات یا به وسیله ی مجموعه اقدامات در برابر تهدید هایی که سلامتی فرد یا جامعه را به خطر می اندازند، توصیف شود (Cozens, 2002: 129). میرچاه الیاده نیز بر اساس ایده ی اسطوره زدایی، نفی و سرکوب تخیل اساطیری توسط علم و اثبات گرایی و برآمدن اساطیر تنزل یافته در نتیجه ی این فرایند در مورد بهشت های زمینی که دامنه ی آن ها تا قرن نوزدهم کشیده شده است، چنین می نویسد: در ۱۵۰ سال اخیر کل ادبیات عظیم اروپا در تمجید از جزایر بهشت گونه ی اقیانوس آرام، مناطق دنج سرشار از شادی و سرور، با یکدیگر رقابت کرده اند... تا حدی این بهشت دارای جایگاه الهیاتی بود. این بهشت اقیانوس های همه تصاویر بهشتی را که مکاتب اثبات گرا و علم گرا سرکوب کردند، اختیار کرده؛ خود را همانند آن نموده و از نو تعدیل کرده است. به عقیده ی کریستف کلمب^۲، بهشت زمینی در قرن نوزدهم به جزیره ای در جنوب اقیانوس آرام مبدل خواهد شد. اما کارکرد آن بر عملکرد روح و روان انسان یکسان است (الیاده، ۱۳۹۱، ۱۲). بنابراین با توجه به نقش محرک علم و تکنولوژی امکانش بود که از علم و تکنولوژی نیز به مثابه ی ماده ی اولیه ی موضوعات هنری و به ویژه ادبی استفاده کرد (تویسرکانی، ۱۳۷۶، ۸). بنابراین مسلم است این انگیزه در ذهن آنان به وجود آید که علوم می توانند هنجارهای مثبتی را که معرف انتظارات اجتماعی است ایجاد نماید. این اندیشه در قرن هجدهم قوت گرفت که به مدد عقل و علم و تکنولوژی می توان در تمام مسائل انسانی نفوذ

۱ - H. G. Wells

۲ - Christopher Columbus

کرد و با کشف قوانین اجتماعی، جامعه را به سمت کمال و رستگاری سوق داد. از طرفی در قرن نوزدهم که اوج انسان مداری غربی (اومانیزم) بود، انسان گرایان نیز بر این باور بودند که علم و فلسفه را خادم خویش کرده و از بازوی توانای آن نهایت بهره را در حیات اجتماعی و اقتصادی خود خواهند برد (هورکهایمر، ۱۳۸۹، ۸۵-۸۶). شکل گیری این چنین باورهایی بود که به طرح آرمان شهرهایی نوین و متفاوت از دوره های پیشین منجر شد. آرمان شهرهایی که مشخصا به طرح شهری آرمانی با ویژگی ها و مختصات مشخص در روی زمین نظر داشتند. آرمان شهرهایی که تمایلی به شرح و تفسیر عوامل و عناصر ماورایی و خارق العاده نداشتند و همواره در تلاش بودند تا با ارتقا و همه گیر نمودن علم، تکنولوژی و باید ها و نباید هایی که لازمه ی زندگی بی دغدغه و نظام مند بشر است، شهری را بنا و یا بازسازی نمایند. لازم به ذکر است که پیش از این تفکر، انتقاد و نارضایتی از وضع موجود و عدم بهره مندی از دنیای واقعیات و علم زمینه ی چنین تفکراتی را مهیا می کرده است. چرا که آرمان شهرگرایان این دوره از فاصله ای که بین هست ها و باید های مردم افتاده بود بسیار ناخرسند بودند و همان طور که بیان شد راه حل آن را در متمرکز شدن در واقعیات و بهره مندی از دستاوردهای دنیای نوین و علم و تکنولوژی می دانستند. در میان آرمان شهرگرایان غیر مسلمان نیز به آثار و عقاید نمایندگانی چون: افلاطون، ارسطو، آگوستین، بیکن، کامپانلا، سن سیمون، کابه، ولز و ضد آرمان شهرگراهایی چون یوگنی زامیاتین، هاکسلی و جورج اورول که هر یک در جست و جوی شهری آرمانی بوده اند؛ اشاره شده است. در ادامه افکار و عقاید نمایندگان فوق بر حسب اولویت و تقدم و تاخر زمان ارائه ی نظریات مورد توضیح و تحلیل قرار گرفته است.

در جدول زیر مهم ترین تاکیدات و مولفه های اصلی مد نظر آرمان شهرگرایان غیر مسلمان اشاره می شود.

جدول شماره (۲) - عمده ترین تأکیدات آرمان شهرویان غیر مسلمان

عمده ترین تأکیدات آرمان شهرویان غیر مسلمان	
افلاطون	<p>سعادت جامعه در گرو وجود و پایداری حکمت، شجاعت، عفت و عدالت است.</p> <p>حاکمیت بر عهده ی فلاسفه است که از طریق دارا بودن استعداد ذاتی و تربیت برای به فعلیت رساندن آن ها به حد اعلای کمال رسیده اند.</p> <p>جامعه ایده آل وی بر دو عنصر عقل و اراده استوار است.</p> <p>تقسیم بندی حکومت به حکومت فلاسفه، حکومت نظامیان، حکومت اغنیاء، حکومت عامه ی مردم و حکومت استبدادی.</p> <p>طبقات جامعه مردم در آرمان شهر وی (حاکمان، رزمیان و پیشه وران).</p>
ارسطو	<p>هدف نهایی دست یابی به سعادت است که راه رسیدن به آن در گرو برقراری اعتدال است.</p> <p>در آرمان شهر ارسطو اعتدال، رابطه بین حاکم و محکوم، تدبیر منزل، دولت، خانواده، حقوق شهروندی، ثروت و دارایی و ... به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است.</p>
آگوستین	<p>در آرمان شهر آگوستین خداوند در راس امور قرار دارد.</p> <p>عدالت و صلح دو مفهوم کلیدی آرمان شهر آگوستین است.</p> <p>لزوم برقراری سازگاری و رفتار مناسب بر اساس دوستی بین افراد جامعه.</p>
بیکن	<p>نیاز به لطف و عنایت خداوند احساس می شود.</p> <p>او با چراغ دانش به دنبال سروری در جهان است و دانش و پژوهش های علمی را مایه ی اصلی سعادت و رستگاری انسان می داند (علم مهم تر از دین).</p> <p>مهم ترین مولفه های آرمان شهر وی دستاوردهای علم و دانش است: خودکفایی اقتصادی، آسایش و رفاه، دینداری و انسان دوستی، صلح و آزادی.</p>
کامپانلا	<p>استقرار جامعه آرمانی بر سه محور علم و عشق و قدرت.</p> <p>متاثر از افکار علم گرایانه ی عصر جدید برای دست یابی به وحدت دینی و سیاسی در جهان معاصر.</p> <p>حاکمیت بر عهده ی دانا ترین فرد جمهوری است.</p> <p>تاکید بر عنصر کار و هنرمندان و صنعتگران زحمتکش که بیکارگی در آن جایی ندارد.</p> <p>دولت به عنوان مهم ترین عنصر که وظیفه ی اصلاح جسم انسان ها برای پرهیز از پیدایش آدم های شرور مادرزاد را دارد.</p>
سن سیمون	<p>هدف غایی توسعه آزاد استعداد های انسانی.</p> <p>اهمیت و اعتبار به کارگر و قدرت سیاسی در دست وی؛ به عنوان کسی که دیگران به او نیازمندند اما او به دیگران نیازمند نیست.</p> <p>مولفه های اصلی حکومت وی: الگوی جامعه صنعتی، رعایت اصول اخلاقی، تعاون و همکاری، طبقه ی مولد ثروت، کار، نفع شخصی، مالکیت خصوصی، لیبرالیسم، لغو حق وراثت، مساوات.</p>
کاتو	<p>پیشرفت های صنعتی تحقق همیاری های لازم در یک جامعه آرمانی را سهل تر می نماید.</p> <p>با توجه به تاثیر مهم و سازنده ی آموزش در پیشرفت و ترقی جامعه، لازم است که این امر را از خانواده به جامعه واگذار نمود.</p>

عمده ترین تاکیدات آرمان شهرگرایان غیر مسلمان	
تصویرگر آینده ای نیکو و سعادت مند در آینده که با محوریت پیشرفت های علمی و تکنولوژیک به دست می آید. تاکید بر آموزش به عنوان عامل متمایز کننده ی انسان از حیوان. تسلط انسان بر طبیعت می تواند سعادت و خوشبختی را برای همگان فراهم آورد.	تکنیک
لزوم حرکت از من به "ما" ی یکپارچه در راه زایش انسانی نوین که فردیت در آن به طور کامل رنگ می بازد. شکل گیری جامعه ای کاملاً شبیه به هم و اشتراکی. این شیوه اشتراکی و پذیرش یک خط فکری توسط همه مردم امکان خوشبختی را برای آنان فراهم می کند.	دین و اخلاق
بیزاری از سیاست بازی ها و صنعت زدگی ها و تفکرات اومانیستی و خودکامگی های بشر. از بین رفتن تمام وجوه معنوی زندگی انسان توسط تکنولوژی.	حاکمیت
نقد و بیزاری از استفاده ی ابزاری از علم و دانش. ناتوانی تکنولوژی از آن چه که به بشر قولش را داده بود (عشق و عدالت) و بالعکس مستحکم نمودن پایه های حکومت حاکمان زمان. تمرکز بر سیاست و تعریف مجددی از انسان سیاسی به دو دسته ی حاکم و محکوم. انسان به مثابه ی سوژه ی سیاسی، سوژه ی ایستا و متافیزیکی و نظام بدون سلطه.	چرخه از دور

با توجه به مروری که بر تفکرات و دیدگاه های برخی از آرمان شهرگرایان شاخص مسلمان و غیر مسلمان شد؛ در وهله ی اول می توان تاکیدات کلی آرمان شهرها و آرمان شهرگرایان یا به تعبیری دیگر نقاط اشتراک و شباهت های بین تفکرات آنان را مورد بررسی قرار داد. از آن جایی که تفکرات آرمان شهری برآمده از ذات حقیقت جوی انسان است، بسیاری از اصول کلی و خواسته ها و امیال آرمان شهرگرایان در کلیت خود، فارغ از هر گونه دین و نژاد و مسلکی بسیار همانند هم به نظر می رسند؛ در عین حال برخی از موازین و اصول لازم جهت خلق و آفرینش آرمان شهر؛ بسته به تفاوت های مکانی، فرهنگی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و متفاوت به نظر می رسد. این امر راه های رسیدن به آرمان شهر را متفاوت کرده است. با توجه به این که می توان بیان نمود که آرمان خواهی می تواند مهم ترین عاملی بوده باشد که انسان را از رکود و درجا زدن دور کرده و در عین حال حس تکامل و ترقی را در او پرورش داده است، آن چه در این میان قابل توجه است، خواست مشترک تمامی آرمان شهرگرایان و حتی ضد آرمان شهرگرایان در رسیدن به منزل گه یکسان و دستیابی به مکانی فارغ از ناپاکی ها و بی عدالتی ها و هر گونه بدیست. مکانی که در آن سعادت فردی و اجتماعی تامین شود و در پرتو آن جامعه ای عاری از بدی ها و ناپاکی ها تولد یابد.

بدین منظور در ادامه سعی می شود ابتدا به تفاوت های کلی آرمان شهرگرایان مسلمان و غیرمسلمان اشاره شود؛

آرمان شهرهای تصویر شده توسط آرمان شهرگرایان مسلمان را می توان آرمان شهرهایی با محوریت خداوند، رویکرد خاص و ویژه ی توحید نگری و عینیت بخشی به مفاهیمی چون عدالت، نوع دوستی، قناعت، حقیقت جویی، سرزندگی و... در روی زمین و تاکید بر امور معنوی و غیر مادی، ارزش گذاری امور با توجه به میزان و معیاری هایی چون دستور خداوند، سیره پیامبران و اولیای الهی، عدل، تاکید بر آخرالزمان، ظهور منجی موعود و تشکیل حکومت آرمانی در آن زمان (حکومت مهدوی) دانست. اندیشه انتظار که از مستحکم ترین دلایل امید به آینده می باشد و در نظر آنان تاریخ بشری پایانی خوشایند دارد و با ظهور مهدی موعود (عج) کار جهان سامان می یابد و عدالتی حیرت آور و بی مانند جهان را فرا خواهد گرفت. گویی آرمان شهرگرایان مسلمان دلشان گرم است به پشتوانه ای که حامی شان است و به آینده ای که فریادرس شان خواهد شد. این در حالیست که همت و تلاش در راه سازندگی و بهسازی جامعه نیز از نظر آنان دور نمانده است.

در آرمان شهرهای تصویر شده توسط غیر مسلمانان نیز دیده می شود که گاهی راه را در پی ریزی شهر خدایی می بیند که همه چیز بر مبنای پاکی و قداست خداوند شکل یافته باشد. یکی از مواردی که به وضوح در آرمان شهرها و یا ضد آرمان شهرهای غیرمسلمانان و یا به تعبیری در دنیای آرمان شهری غرب دیده می شود؛ صراحت لهجه، آزادی بیان و به نوعی بی پروایی و یا شاید بی دغدغه بودن نویسنده در بیان افکار و اندیشه هایش است. به نحوی هیچ نگرانی و ملاحظه ای در نوشتار او مشاهده نمی شود. به نظر می رسد این مساله را می توان تا حد زیادی فضای سیاسی و اجتماعی آزاد و حمایت روحی و معنوی از چنین آثاری دانست.

مساله ی دیگر این که در بیشتر موارد از افلاطون و ارسطو و آگوستین که بگذریم، با توجه به پیشرفت ها و جهش های چشم گیر دنیای غرب، آرمان شهرهای تصویر شده توسط غیر مسلمانان غالباً اهداف خود را در دست بشر و توانایی او در زمینه صنعت و تکنولوژی دیده اند تا سبب فراهم شدن آسایش و آرامش و رفاه شود. البته آن ها پس از زمانی به این اعتقاد شوریدند و بیان داشتند که دستاوردهای تکنولوژی هیچ گاه تامین گر نیازهای روحی و معنوی بشر نشده است و به سبب فراموشی و یا کنارگذاری تعمدی نیازهای این چنینی و غرق شدن در

لذات دنیوی ضربات سخت و جبران ناپذیری بر پیکره ی بشریت وارد آمده است که این امر پیدایش و ظهور گونه هایی جدید از آرمان شهر تحت عنوان ضد آرمان شهرها را سبب شد و به مرور با گسترش و اشاعه ی تفکرات مبتنی بر اهمیت و برتری تکنولوژی و پیامدهای آن ضد آرمان شهرهایی صراحتاً و یا تلویحاً در خارج از دنیای غرب نیز سربر آوردند.

۵- حرکت به سمت آرمان شهر

مهم ترین خواسته در ذیل عنوان حرکت به سمت آرمان شهر این بوده است که با زبانی ساده و فراگیر، همگان را تشویق و تحریک نماییم تا حداقل دوباره رویای دست یابی به مکانی آرمانی را در خود بیدار سازند. بدین منظور بازخوانی مجدد مفهوم آرمان شهر اکولوژیک و ارائه ی الگویی نوین که دربردارنده ی مفاهیم آرمان شهری دیروز، امروز و فردای بشر است می تواند رافع نواقص الگوهای پیشین باشد؛ وجود موانعی که حرکت به سمت تحقق آرمان شهر را کند و یا غیر ممکن می کنند و نهایتاً بیان راهکارهایی جهت رفع و یا کمرنگ نمودن موانع موجود؛ تلاش هایی در این راه بوده است.

علی رغم موانع جدی در سر راه تحقق آرمان شهر، طرح این موضوع می تواند شوق و انگیزه و همت مردم و به طور خاص طالبان دست یابی به جامعه آرمانی را تشویق و تحریک نماید تا به آن چه که در حال فراموشی و نابودیست تفکر و در راه دست یابی به آن تلاش و جامعه فعلی خود را در صورت برقراری اصول و موزاینی نوین به گونه ای دیگر تصویر کنند و همچنین نقدی مصلحت اندیشانه بر جوامع خود زنند.

در آغاز این حرکت اصراری بر کسب تمام و کمال مولفه های آرمان شهری به طور یکجا نیست بلکه این حرکت می تواند به صورت مرحله ای شروع شود و حتی در مراحل اولیه تنها به پاکسازی جامعه از بدی ها و به حداقل رساندن امور جاری ناپسند بسنده نماید و سپس به فراگیری بیش تر خوبی ها و فضیلت های جامعه منتج شود تا نهایتاً زمینه ی تحقق آرمان شهری جاودان، همیشگی فراهم آید.

بنابراین ترسیم آن در هر حالتی جنبه سازندگی و بهبود بخشی دارد نه ویران گری و آشفته نمودن دوباره ی بنیان های زندگی بشر.

از نظر ما پذیرش یک ایده ی آرمان شهری منوط به این است که این نظام تا چه حد بتواند فعالیت های خود را به طور موفقیت آمیزی در دنیای واقعی و برای مقابله با مشکلات فراهم آورد. به تعبیری اتوپیا باید بتواند "بودن" را به قیمت "شدن" در هم شکند. بنابراین آرمان شهرهای دنیای حاضر باید بی هیچ ایما و اشاره ای و با وضوح کامل برنامه های خود را طرح ریزی کنند و نقطه مبهمی برای پرسش گران باقی نگذارند. آن چه اشاره به آن در ابتدای این فصل مهم می نماید ذکر این نکته است که همان گونه که در فصل اول نیز بدان اشاره شد؛ هدف از طرح موضوع آرمان شهر، مطلقا محدود شدن در مکان و کالبدی به نام شهر نبوده است و آرمان شهر می تواند تمامی عرصه های زیستی و حتی روستا ها را نیز در بر گیرد. بدین منظور در بیان موانع تحقق آرمان شهر و ارائه ی راهکارهای مرتبط با آن سعی شده است تا تنها شهر مورد توجه نباشد، اما با توجه به نقش و تاثیر انکار ناپذیر شهرها در دنیای کنونی و تجمع اکثریت انسان ها در جوامع شهری، ناگزیر آرمان شهر و بسیاری از مصادیق و مطالب مربوط به آن به دنیای شهرها باز می گردد.

در این مسیر ما به دنبال علت های تجملی و واهی نیستیم، بلکه تاکید بر علت های واقعی و مشهود یا غیر مشهودی است که وعده ی تحقق آرمان شهر را با توجه به آخرین وعده های ناکامی که بشر از دنیای علم و تکنولوژی و آرمان شهرهای معکوس برآمده از آن دریافت کرده بود، بیش از هر زمان دیگری سخت و غیر ممکن می نمایاند. پرداختن به این موضوع در زمان فعلی دشوار تر از گذشته است، چرا که بشر چندین بار شاهد عدم تحقق وعده های آرمان شهری دنیای معاصر بوده است. بدین منظور بر آن بوده ایم تا در حد امکان قضاوتی واقع بینانه از وضعیت موجود و هم باور به تحقق پذیری بسیاری از مطلوب ها داشته باشیم و این وعده را به بشر دهیم که ما نه به طور مطلق مانند افلاطون و مور و کامپانلا بر آنیم تا طرحی ذهنی را ارائه دهیم و نه تنها مانند مارکس و فوکویاما تنها آن را تئوریزه نماییم، نه هبوط انسان را بهانه ای برای غرق شدن در اندیشه آن چه که بشر به هر دلیلی آن را از دست داده است و فقط در آرزوی بازگشت به بهشت موعود در جهانی دیگر باشیم و نه در پشت پا زدن به معنویات و اخلاقیات و جست و جوی تمام آرمان های بشر در دست یافته های دنیای صنعت و تکنولوژی و نه آرمان شهر را در جای دیگر ببینیم تا خود را از دست یابی به آن و تلاش برای فراهم کردن مفاهیم و مولفه های سازنده ی آن دور کنیم و نه در بسیاری از این چنین قضاوت ها و افراط و تفریط های

بشری... .

آن چه مد نظر است در بخش الگوهای ارائه شده جهت رفع موانع و دستیابی به آرمان شهر تشریح شده است. آن چه تاکید می شود رشد و اشاعه ی مفاهیم گم شده دنیای آرمان شهری و تولد دگرگون مضامینی که هویت اصیل و واقعی خود را از دست داده اند، دیده شود؛ مانند: بشر دوستی، عدالت، صداقت، حفظ کرامت انسانی، بهره مندی هدفمند همگان از علم و تکنولوژی، عدم استفاده ی ابزاری از علم، عدم بیگاری و ستم پیشگی علیه گروهی خاص و... .

"به طور کلی آرمان شهری ها شوقی فراوان همراه با اعتمادی کامل به هنجار دارند. عشق به قوانین، عشقی که هر چه قانون کامل تر و هدفش والاتر باشد؛ شدید تر و انحصاری تر خواهد بود. آرمان شهر دستگاه هنجارهاست و اگر از جزئیات که شگفت انگیز و هولناک به نظر می رسند چشم پوشیم و مجموع آن قوانین را مد نظر قرار دهیم، آن ها را در اندیشه آرمان شهر خواهیم دید. زیرا در نهایت محتوای آن ها جز این نیست که منافع جمع، سلامت اخلاقی، رفاه و خوشبختی آنان را در هر وضع و با هر فرضی برتر از منافع فرد بشناسیم" (روویون، ۱۳۸۵، ۶۹-۷۰).

با توجه به آن چه بیان شد؛ "ایده آرمان شهر" جای در اندیشه سنت گرای فلسفه سیاسی (کمال مطلوب سیاسی اجتماعی تحقق ناپذیری که واقعیت ها، طبیعت انسان و شرایط زندگی در آن ملحوظ نشده اند) دارد که پس از یک گذار معرفت شناسانه و بر بنیان اندیشه ترقی^۱ در فضای نظام اندیشه حیات برگزیده می تواند از خلال پروژه ی تحقیق و توسعه جامعه انسانی، رکن تحلیل وضع مطلوب^۲ جامعه شهری قلمداد شده و وارد فرایند مدیریت توسعه شهری معاصر شود (آکوچکیان، ۱۳۸۷، ۱۱). بنابراین با این نگاه "آرمان شهر در گذشته جسته نمی شود بلکه در ایده مدیریت آینده تحقق می یابد. آموزش و پرورش در آرمان شهر نقطه اتکای الگوی تحقیق و توسعه آن است. نظام فرهنگی و سیاسی و اقتصادی بر گرد نظام تعلیم و تربیت شکل می گیرد و مشرف بر کل سیستم؛ نظریه ی دولت طراحی می شود. در آرمان شهر هدف داری فرد و جمع به یکدیگر منتج می شود و نسبت زنان و مردان نسبت عادلانه بر اساس دانایی و

۱ - the Idea of progress

۲ - Normative Research

توانایی است. جنسیت در مدنیت نقش ندارد. قانون در آرمان شهر با احکام کلی جریان رشد تفسیر می شود و به قواعد فقهی تحویل برده نمی شود و اخلاق، درون مایه ی قواعد فقهی دیده می شود" (همان منبع، ۳۳ و ۳۴). در مجموع شهر، خود به عنوان نمادی از یک ایده که در فرم فیزیکی تبلور یافته و آن قدر غنی است که مناطق وسیعی را به نظم درآورد، منبعث از این مفهوم کلی تر است که شهرها و یا هر محیط زیست مصنوع، در برگیرنده و یا تجلی یک مدل شناختی آگاهانه هستند. می توان اصولا محیط مصنوع و مجتمع های زیستی را یکی از شیوه های نظم بخشی به جهان دانست که در جوامع سنتی، این شیوه ی نظم بخشی اساسا مقدس می باشد. محیط مصنوع در واقع، بیان کننده و منعکس کننده ی مدل آرمانی می باشد. تصویری از محیط زیست آرمانی در ذهن انسان ها وجود دارد که محیط مصنوع، آن را به صورتی ناقص بیان می کند. این محیط های مصنوع به عنوان زمینه ای برای انسان ایده آل و یا شیوه ی زندگی ایده آل و خاص آن فرهنگ تلقی می شوند (محمدی و شیخ بیگلر، ۱۳۸۷، ۳۷۹-۳۸۰).

همان گونه که وقتی از آرمان شهر در دنیای غرب و بر اساس نوع تقسیم این کتاب نزد غیرمسلمانان سخن گفته می شود، این گونه استنباط می شود که برای آنان علم و قدرت نقشی بسیار موثر و تعیین کننده دارند، همچنان که عرفان و مذهب در شرق. همچنین از نظر زمانی نیز می توان این گونه برداشت کرد که بنابر عقیده ی صاحب نامان غرب، علم و تکنولوژی و یقینی که از طریق آنان به دست می آید شکل تکامل یافته ی همان اسطوره ها و خدایان روزگان کهن و دوره ی باستان است.

این موضوع که تقریبا از اوایل قرن بیستم مورد استقبال و توجه بی نظیر بشر غربی قرار گرفت، این اعتقاد را رواج می داد که گمشده ی انسان امروز دیگر خدایان، اسطوره ها و داستان ها و نمادهای پرمز و راز نیستند بلکه باید سعادت، آرامش و کامیابی بشر را در علم، تکنولوژی، فناوری و دستاوردهای حاصل از آن انتظار داشت.

شکل گیری این چنین باورهایی بود که به طرح آرمان شهرهایی نوین و متفاوت از دوره های پیشین منجر شد. آرمان شهرهایی که مشخصا به طرح شهری آرمانی با ویژگی ها و مختصات مشخص در روی زمین نظر داشتند. آرمان شهرهایی که تمایلی به شرح و تفسیر عوامل و عناصر ماورایی و خارق العاده نداشتند و همواره در تلاش بودند تا با ارتقا و همه گیر نمودن علم،

تکنولوژی و باید ها و نباید هایی که لازمه ی زندگی بی دغدغه و نظام مند بشر است، شهری را بنا و یا بازسازی نمایند.

لازم به ذکر است که پیش از این تفکر، انتقاد و نارضایتی از وضع موجود و عدم بهره مندی از دنیای واقعیات و علم زمینه ی چنین تفکراتی را مهیا می کرده است. چرا که آرمان شهرگرایان این دوره از فاصله ای که بین هست ها و باید های مردم افتاده بود بسیار ناخرسند بودند و همان طور که بیان شد راه حل آن را در متمرکز شدن در واقعیات و بهره مندی از دستاوردهای دنیای نوین و علم و تکنولوژی می دانستند.

بنابراین طرح نقشه جامعه آرمانی نه مضر است و نه لغو، مشروط بر این که دارای سه ویژگی باشد:

۱- "اول این که کاملاً واقع بینانه باشد و حقایق زیست شناختی، روان شناختی و جامعه شناختی را به هیچ روی از نظر دور ندارد و به دست فراموشی نسپارد.

۲- دوم این که همراه با ارائه طریق باشد. یعنی فقط جامعه آرمانی را تصویر نکند، بلکه راه و روش رسیدن به آن را نشان دهد.

۳- سوم این که اهدافی را اعم از هدف اصلی و نهایی و هدف های واسطه برای جامعه آرمانی تعیین کند که دارای مراتب باشند (مصباح، ۱۳۹۰، ۴۵۵).

در این صورت آرمان شهر تنها وسیله ی گذار از عینیت به ذهنیت و پناه بردن به تخیل صرف نیست، بلکه بازآفرینی ذهنی جامعه است به قصد انتقاد از نظام مستقر و محکمی است برای سنجش وضع موجود و آشکار ساختن نارسایی ها و ناروایی هایش " (اصیل، ۱۳۹۳، ۲۹).

با توجه به آن چه بیان شد؛ در این بحث به دنبال آرمان شهر هستیم نه خوب شهر، آرمان شهری که همه چیز در آن واقع بینانه باشد و نوید بخش درهمتندگی نگاه آرمانی و عینیت های واقع گرایانه باشد و پس از آن می توان انتظار داشت اگر به چنین شهر آرمانی برسیم حرکتی از جز به کل آغاز می شود و جامعه ای آرمانی شکل می گیرد حرکتی عظیم آغاز شود و با خاتمه ی جدال بین عقل و عشق شاهد گنجیدن دو پادشاه در یک اقلیم خواهیم بود.

جمع بندی

به نظر می رسد کار فلسفه ی تطبیقی اگر به معنای انطباق دادن دو یا چند دیدگاه فلسفی باشد، کاری بی حاصل یا کم فایده است و اگر به معنای بررسی آرا گوناگون درباره یک

موضوع و یا حتی در گام بعد، میزان نزدیکی یا تأثیر و تأثر و مانند آن صورت پذیرد، کاری پرحاصل است که کمترین ثمره ی آن قدرت یافتن بر باریک اندیشی و خلق اندیشه های نو یا درک بهتر از اندیشه های موجود است (مشکات، ۱۳۸۷، ۴۰۱). ادبیات و اندیشه غربی انباشته از سیاه و سفید و بد و خوب است، در حالی که اندیشه شرقی اغلب در چارچوب خاکستری فکر می کند. اکنون صدها سال است عقایدی وجود دارند که می گویند جامعه ایده آل به اغفال فکر و حکمروانی انسان برای مدتی طولانی در آینده ادامه خواهد داد و ما نیز به طریقی خواهیم توانست بر اشتباهات فناوریانه انسانی غلبه کنیم. ادبیات و اندیشه آینده نگر در حد وسط فاقد نه یک جهان تصور شده کامل و قدسی و نه یک جهان وحشتناک فناوری است. به ایده هایی جدید به صورت «خوب شهر» جهانی بهتر و اصلاح شده که نه «آرمان شهر» است و نه «پریشان شهر». یکی از چیزهایی که ما را از این تفکر نسبی گرایانه منع می کند شیفتگی انسان به این است که چه قدر ما خداگونه هستیم. هزاران سال است که انسان این عقیده را کسب کرده است که ما آخرین مخلوق یک ذات الهی هستیم و اگر خوب تلاش کنیم می توانیم جهان کامل، جامعه کامل و در نتیجه «شهر کامل» آینده را خلق کنیم. رویکرد معقول تر یافتن روش ها، وسایل و فناوری هایی است که بتوانند شهرهایمان را پایدارتر، قابل زندگی تر و از نظر اجتماعی اقتصادی ثمر بخش تر سازند. «ارنست جونز در کتابش زندگی و کار زیگموند فروید این عقیده را که ما قدسی و اثر غایی یک خالق هوشمند متعالی هستیم انکار کرده است. جونز می گوید که بشریت، که شکسپیر آن را خداگونه توصیف کرده است؛ معهذای خیلی هم آسمانی نیست» (پلتون و سینگ، ۱۳۹۲، ۲۶-۲۷). حال در این بخش جهت جمع بندی سعی شده است؛ به مقایسه دیدگاه های نمایندگان برجسته آرمان شهرگرایان مسلمان و غیر مسلمان پرداخته شود:

پس از گذار در آرمان شهرهای تصویر شده ی مردانی آرمان طلب که هر یک نگاهی دگرگون برای دست یابی به آرمان شهر داشته اند؛ این گونه بر می آید که گویا آرمان شهر برای آنان تنها حکم مسیری را دارد که هدفش رسیدن به حد اکمل چیزست که از آن به سعادت و خیر و نیک بختی تعبیر می شود. همان گونه که از میان آرمان شهرگرایان مسلمانی که به آرمان شهرهای آنان اشاره شده است؛ وقتی فارابی قرآن کریم و سیره نبوی و ائمه و حکمت عملی اسلام را جهت ترسیم شهر آرمانی اش پیش می گیرد و سهروری از عالم و خیال و مثال و عوالم سه گانه سخن می گوید و خواجه نصیر از مدینه ی فاضله و غیر فاضله سخن می راند و ابن سینا با نگاه

مشایی خود بر دائمی بودن سعادت معنوی پای می فشارد و ابن رشد بر استقرار اصول هویت بخش در نظام اجتماعی و فردوسی و سعدی و نظامی قافیه ها را بهانه می کنند برای یادآوری اصول بنیادی خیر و شهر و ستودن ارزش های والا و نکوهیدن ارزش های مخرب آرمان شهر؛ همگی تلاش هایی در راستای دست یابی به خیر و سعادت دیرپا و ماندگار می باشند. در آن سوی از میان نمایندگان آرمان شهرگرایان غیر مسلمان؛ افلاطون مهم ترین ویژگی شهر آرمانی را در حاکمیت فلاسفه و سپردن امور به دست آنان می داند و ارسطو از قانون و حکومتی که سعادت جامعه را تامین نماید سخن می گوید و برای آگوستین اعتقاد به خدای یگانه و زیستن در پرتو عشق الهی لازمه ی بقای آرمان شهر است و بیکن با اعتقاد بر طبیعت؛ ادعای دوباره سازی، نوسازی و در دراز مدت جایگزینی شهری نو را دارد. در آرمان شهر ولز، آموزش بنیادی ترین مفهوم بوده است و در شهر خورشید توماس کامپانلا، دولت بی نهایت اهمیت و اعتبار می یابد. سن سیمون مقام و جایگاه کارگر را بی نهایت ارج می نهد تا بدین واسطه لذتی واقعی و خوشبختی همگانی جامعه آرمانی را فراگیرد. همچنین کابه بر نقش مهم و بسیار تاثیر گذار آموزش فکری و بدنی فرزندان تاکید می کند که جامعه و اجتماع باید در پرورش آن سهیم باشند. زامیاتین نیز با ابتکار خود در خلق ضد آرمان شهرش بر آن بوده است تا تأثیر غرق شدن در مادیات و بی توجهی به ارزش های معنوی و انسانی را بیان کند. هاکسلی نیز بر آثار مخرب دستاوردهای علمی و تکنولوژی و اسیر شدن انسان مدرن در خودمحموری و دوری از مفاهیمی چون معرفت و راستی را متذکر می شود و جورج اورول هم به شدت بر مسیر حرکت بشر و جوامع غربی معترض و نگران است، که البته اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان وی یعنی پایان جنگ جهانی اول و شروع جنگ سرد در شکل دهی به افکار وی بسیار موثر بوده است.

به همین ترتیب بسیاری دیگر از اندیشه هایی این چنین همگی در جست و جوی مسیری بوده اند تا آنان را به مکان و ماوی امن رساند که تا ابد در آن آرام گیرند و بی هیچ دغدغه ای در آن به سلامت روزگار گذرانند. اما همان گونه که در فصل گذشته نیز اشاره شد؛ بسیاری از این مسیرها به فراخور دنیایی که خالق آرمان شهر در آن می زیسته است، شکل گرفته و بدین صورت زمانی در آرمان شهری برتری با قانون بوده است، زمانی با حاکمیت کارگر، محوریت آموزش و... در بسیاری از موارد ایدئولوژی ها و عقایدی که آرمان شهرگرا از آن ارتقا می نموده است، در ترسیم دنیای آرمانی وی بسیار نقش داشته است، همان گونه که آرمان شهر گرایان مسلمان،

اصول و موازین اسلام و شرع را سرلوحه قرار می دهند و....

حال بشر امروز به دنبال آرمان شهریست که تمایل به گرایش و نگاهی خاص نداشته باشد و او را برهاند از وابستگی ها و تعلقاتی که به گواه تاریخ تاکنون بشر را همواره اسیر افراط و تفریط و سردرگمی نموده است. بنابراین از مهم ترین دلایل انتخاب آرمان شهرگرایی از دو گروه دینی متفاوت می توان به اهمیت و نقش موثر دین در شکل گیری خواسته ها و امیال درونی فرد و بیرونی جامعه اشاره کرد. به عبارتی دین و باورهای وابسته به آن است که کم و کیف روابط اجتماعی، اقتصاد و نوع آن، ارتباطات سیاسی، روابط انسانی و عاطفی، خانوادگی و بسیاری از مولفه های دیگر را برای پیروانش تعریف می کند.

بنابراین آن چه اهمیت دارد؛ نحوه ی نگاه و تلاش انسان برای ساختن شهری در آینده است، شهری که همه چیز در آن بی نهایت خوب و دست یافتنی باشد. در واقع از مطالعه همه آن چه در باب آرمان شهر گفته شد می توان به نتایج زیر دست یافت:

- ۱- در تفکرات آرمان شهری در همه مراحل زندگی باید به جمع اندیشید نه به فرد. از این رو در همه تفکرات آرمان شهری اداره ی جامعه به صورت مشترک المنافع تاکید می شود.
- ۲- هر ایدئولوژی آرمان شهر ویژه ی خود را می آفریند و در بیشتر آن ها خداوند، قانون، فضیلت و زندگی مطلوب، اساس تفکرات آرمان شهری را تشکیل می دهد.
- ۳- در صورتی که نهاد و ایدئولوژی یک آرمان شهر قابل انعطاف نباشد، نابودی آرمان شهر حتمی خواهد بود.
- ۴- در آرمان شهر اکولوژیک، مجموعه ی هماهنگ از شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و عدالت اجتماعی در شهر ارگانیک به وجود می آید (شکویی، ۱۳۹۰، ۱۰۶-۱۰۷).
- ۵- آرمان شهر هر اندازه ابهام و اشکال داشته باشد، باز هم عمیقاً انسان مدار است، انسان را از طبیعت، که فقط برای استیلای بیشتر بر آن، از آن تقلید می کند، فراتر می داند رابطه آرمانشهر با طبیعت بسیار پیچیده است در این رابطه آنچه بیش از همه به چشم می خورد دعوی همساز کردن نظام جامعه با نظام طبیعت است (روویون، ۱۳۸۵، ۲۱).
- ۶- زمان آرمان شهر زمان زندگی نیست، زمان ماشین زمان ساعت است. این اندیشه از آغاز در شیوه ی طرح ریزی و سازماندهی آرمان شهر دیده می شود؛ لیکن از آغاز قرن هفدهم به وضوح مبنای مکانیکی (ماشینی) پیدا می کند و همین آن را به روشنی در برابر مفاهیم

- کلاسیک دولت و جامعه قرار می دهد که آن را با جسم انسان (سر-اعضا) یا خانواده (پدر-فرزندان) همانند می داند (همان منبع، ۲۵).
- ۷- در نظام سیاسی نخستین چیزی که آرمان شهر صریحا عنوان می کند، طرح عقلانی کردن کامل قدرت است. آرمان شهر از همان آغازش، روح هندسی، روش ریاضی و اندیشه ترقی را در نظام سیاسی جای می دهد و هر چه را که پایه در پیشینگی، آداب و رسوم، ملاحظات اساطیری و مذهبی دارد به گذشته ای وا می دارد که ارزش خود را به کلی از دست داده است. آرمان شهر خواه منشا قدرت مطرح باشد یا ساختار های آن و خواه نقش کارکردی اش، در رویای کمال ماشینی و کارایی تمام عیار است (همان منبع، ۳۷).
- ۸- تصور "کمال ساخته ی انسان" که محور اصلی اندیشه آرمان شهر است، بدون نگرش خاص به انسان و وضعیت طبیعی و تاریخی او میسر نیست انسان در نخستین دوران حیات خود و نیز در آغاز تاریخ اجتماعی اش به طبع شرور مقهور عواطف و امیال خود خواهانه خویش است. اگر چنین نبود وضعیت طبیعی برایش عصر طلایی بود و انسان در آن وضعیت آرامشی سعادت آمیز داشت و همچنان باقی می ماند. اما تصویر سراپا خشم و غوغای آن دوران تیره و تاریک از پیدایش اندیشه آرمان شهر این گونه نبود (همان منبع، ۱۹).
- ۹- وجود تفکر آرمان شهری در جوامع نشانگر آن است که انسان ها فطرتا کمال طلب هستند و می خواهند مسیر حرکت را گم نکنند؛ هر چند وجود موانع متعدد پیمودن مسیر را بسیار سخت و در مواقعی غیر ممکن می نمایاند.
- ۱۰- آرمان شهرگرایان یا بر اساس اعتقادات و باورها و وعده های الهی به تدوین مشخصه های جامعه آرمانی پرداخته اند و یا بر اساس مصائب حاکم بر بشریت در جست و جوی جامعه ای آرمانی اند. در هر حال جغرافیای فکری آرمان شهرگرایان نشأت گرفته از آمال، آرزوها و به خصوص محدودیت های موجود در عصری است که می زیسته اند.

منابع

- آکوچکیان، احمد، (۱۳۸۷)، «از آرمان شهر فلسفه تا آرمان شهر توسعه ای»، **مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی**، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- احمدی، جمال، زمانی، سارا، (۱۳۹۰)، «بررسی آرمان شهر در اشعار فریدون مشیری»، **تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی**، شماره پیاپی- نهم، صفحات ۵۹-۲۹.
- اخوان ارمکی، عباسعلی، (۱۳۸۷)، «نگاهی تطبیقی به مدینه ی فاضله ی ارسطو و خواجه نصیر الدین طوسی»، **مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی**، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- اصیل، حجت الله، (۱۳۹۳)، **آرمان شهر در اندیشه ایرانی**، چاپ سوم، تهران، نشر نی.
- الیاده، میرچا، (۱۳۹۱)، **تصاویر و نمادها**، ترجمه: مهجاری، محمد کاظم، تهران، کتاب پارسه.
- پرهیزکاری، قاسم، (۱۳۹۳)، **مبانی و رویکردهای اسطوره علم و آرمانشهر علمی در ادبیات معاصر ایران (با تکیه بر ادبیات داستانی)**، استاد راهنما، چراغی، رضا، استاد مشاور: نیکویی، علیرضا، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان.
- پلتون، جوزف ان؛ سینگ، ایندو بی، (۱۳۹۲)، **شهرهای آینده طراحی شهرهای بهتر، هوشمندتر، پایدارتر و امن تر**، ترجمه: عبدالله زاده، محمود، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
- تويسرکاني، مهرداد، (۱۳۷۶)، «درآمدی بر سر تحول داستان های آرمان شهری»، **مجله ادبیات داستانی**، شماره ۴۳.
- سوادکوهی فر، ساسان، (۱۳۷۹)، **سیر اندیشه های آرمانی معماری و شهرسازی**، تعدادی از متفکران، جلد اول، تهران، بهراد.
- شکویی، حسین، (۱۳۹۰)، **اندیشه های نو در فلسفه ی جغرافیا (فلسفه های محیطی و مکتب های جغرافیایی)**، چاپ هفتم، تهران، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- دیرباز، عسکر؛ صادقی، مسعود، (۱۳۹۰)، «اخلاق، دولت و نسبت آن ها در آرمان شهر مهدوی»، **فصلنامه مشرق موعود**، سال پنجم، شماره ۲۰، صفحات ۱۱۶-۱۰۲.
- ربانی، علی، (۱۳۸۷)، «کنکاشی در عناصر شهر اسلامی»، **مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی**، انتشارات دانشگاه اصفهان
- رجبی، فرهاد، (۱۳۹۰)، «رویکرد های انسانی به شهر در شعر معاصر عربی و فارسی»، **ادب پژوهشی**، شماره پانزدهم، صفحات ۸۲-۵۹.
- رکن الدین افتخاری، عبدالرضا؛ بدری، سید علی، (۱۳۹۱)، **بنیان های نظریه ای الگوی توسعه ای روستای نمونه**، رشت، استانداری گیلان.
- روویون، فردریک، (۱۳۸۵)، **آرمان شهر در تاریخ اندیشه غرب**، ترجمه: باقری، عباس، تهران، نشر نی.

- قائمی، فرزاد، (۱۳۸۶)، «انواع و نمودهای ادبیات آرمان شهری در ادبیات کلاسیک فارسی»، **فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی**، سال چهارم، شماره ۱۵ و ۱۶، صفحات ۲۸۷-۳۰۵.
- قادری سهی، بهزاد؛ جان نثاری لادانی، زهرا، (۱۳۸۸)، «آرمانشهر یا هزارتوی خرد؟ جدل ویلیام بلیک با فرانسیس بیکن»، **پژوهش زبان های خارجی**، شماره ۵۴، صفحات ۸۷-۶۷.
- قائمی، فرزاد، (۱۳۸۶)، «ادبیات پلید شهری و داستان معاصر فارسی»، **فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی**، سال چهارم، شماره ۱۳، صفحات ۱۳۴-۱۲۲.
- کادن، جی. ال، (۱۳۸۰)، **فرهنگ ادبیات و نقد**، ترجمه: فیروزمند، کاظم، چاپ اول، تهران، شادگان.
- کیانی، علی اصغر، (۱۳۸۷)، **در اندیشه حکومت برتر**، قم، انتشارات آیین احمد.
- لینکریتز، اندرو، (۱۳۸۵)، **آرمان گرایی و واقع گرایی**، ترجمه: سازگار، لی لا، تهران، وزارت امور خارجه.
- مبلغی، عبدالمجید؛ محمدی کیا، طیبه، (۱۳۹۴)، «نگاهی به آرمان شهر سینوی»، **دوفصلنامه ی علمی پژوهشی حکمت سینوی (مشکوه النور)**، سال نوزدهم، صفحات ۱۳۰-۱۱۱.
- محمدی آشنائی، علی، (۱۳۹۲)، **جامعه آرمانی قرآن کریم**، قم، بوستان کتاب.
- محمدی، جمال، شیخ بیگلو، رعنا، (۱۳۸۷)، «کارایی شهر اسلامی در مواجهه با چالش های شهری امروز»، **مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی**، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- مشکات، محمد علی، (۱۳۸۷)، «مدینه فاضله از آرمان تا واقعیت ۱»، **مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی**، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- مشکات، محمد علی، (۱۳۸۷)، «مدینه فاضله از آرمان تا واقعیت ۲»، **مجموعه مقالات نخستین همایش آرمان شهر اسلامی**، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- مصباح زیدی، محمد تقی، (۱۳۹۰)، **جامعه و تاریخ ازدیدگاه قرآن**، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطلبی، مسعود؛ نادری، محمد مهدی، (۱۳۸۸)، «بررسی تطبیقی مفهوم آرمانشهر در اندیشه سیاسی اسلام، ایران و غرب»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**؛ سال دوم، شماره ۶ صفحات ۱۴۶-۱۲۵.
- میر صادقی، جمال، میر صادقی، میمنت، (۱۳۷۷)، **واژه نامه هنر داستان نویسی**، تهران، کتاب مهناز.
- وحیدی، حسین، (۱۳۵۶)، **پایه های آرمان پارسایی**، تهران، بازند.
- ولز؛ هربرت اچ. جی، (۱۳۸۸)، «یوتوپیاها، داستان های عامه پسند»، ترجمه: فخر یاسری، علی محمد، **فصلنامه ی ارغنون**، شماره ی ۲۵، تهران، سازمان چاپ و انتشارات ارشاد اسلامی.
- هال، استوارت، (۱۳۸۶)، **غرب و بقیه: گفتمان و قدرت**، ترجمه: متحد، محمود، تهران، آگه
- هور کهایمر، ماک، (۱۳۸۹)، **خسوف خرد**، ترجمه: اکسیری فرد، محمود، تهران، گام نو.

- Cozens, P.M., 2002, Sustainable Urban Development and Crime Prevention through
- Environmental Design for the British City, Towards an Effective Urban
- Environmentalism For the 21st Century, Cities, Vol. 19, No. 2, PP. 129-137
- FRIEDMANN JOHN.2000.The Good City: In Defense of Utopian Thinking. *International Journal of Urban and Regional Research*. Volume 24. pp2۴۶۰-۴۷۲.
- More. Thomas. ۲۰۱۲. Utopia. This eBook is designed and published by Planet PDF. For more free eBooks visit our Web site at <http://www.planetpdf.com>
- www.wildcatfreshmenenglish.com
- www.wildcatfreshmenenglish.com.